

نشست «انقلاب و نهاد هنر»

نشست «انقلاب و نهاد هنر» با بررسی تجربه‌های نهاد‌های انقلابی فعال در عرصه هنر و با حضور وحید جلیلی، سینا کلهر و علی جعفری برگزار خواهد شد. دبیری این نشست را محمد پورکیانی برعهده دارد. نشست «انقلاب و نهاد هنر» روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین‌ماه از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری برگزار می‌شود.



شریف لک‌زایی

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محسن جبار نژاد

پژوهشگر

این مطلب بخشی از یک تحقیق تطبیقی بین‌هگل و ملاصدرا بوده که قبلا به صورت مقاله علمی-پژوهشی به چاپ رسیده است و نویسندگان بخشی از مقاله را مطابق با مقتضیات روزنامه‌نگاری برای «فرهیختگان» بازنویسی کرده‌اند.

۱۱۱

هگل و ملاصدرا را می‌توان آخرین فیلسوفان سیستم‌ساز شرق و غرب دانست. هگل با احاطه کامل بر دستگاه‌های فلسفی قبل از خود در غرب، همه آنها را در دستگاه فلسفی خود، هضم و یک سیستم فلسفی جدید ارائه کرده‌است. ملاصدرا نیز با احاطه کامل بر معارف عقلی، عرفانی و نقلی پیش از خود و نخله‌های متعدد فکر فلسفی در جهان اسلام اعم از حکمت مشاء و حکمت اشراق و نیز مباحث عقلی کلامی و مباحث عرفانی و قرآنی، توانسته دستگاه فلسفی جدیدی به نام حکمت متعالیه تولید کند. با توجه به اهمیت رابطه دین و سیاست (که همواره به‌عنوان پرسش جدی پیش روی فلاسفه مطرح بوده است) از یک طرف و اهمیتی که شناخت اندیشه‌های هگل و ملاصدرا -به‌عنوان نمایندگان مطرح مربوط به دو فضای فکری و فرهنگی متفاوت- دارد، می‌توان به اهمیت این بحث پی برد. نوشتار حاضر ضمن تلاش برای ارائه فهم هگل و ملاصدرا از دین و سیاست بر آن است که به مهم‌ترین وجوه تمایز میان آرای این دو فیلسوف پیرامون مناسبات دین و سیاست بپردازد. اینکه در اینجا بر وجوه تمایز تاکید می‌شود به آن دلیل نیست که نقاط مشترکی میان دو اندیشه دو فیلسوف وجود ندارد. از بررسی گادگانه دستگاه فکری هر دو فیلسوف استنباط می‌شود که هم «دین» و هم «سیاست» در نظامات فکری هر دو فیلسوف، اهمیتی درخور توجه دارد. درست‌است که هگل و ملاصدرا تفاوت‌های جدی‌ای در بنیادهای فکری خود و نیز نگاه متفاوتی به مفاهیم (از قبیل دین و سیاست) دارند، لکن در اصل دلمشغولی و تفلسف راجع به این دو عنصر کلیدی با هم مشترکند. یکی از دلمشغولی‌های جدی صدرا مساله دین است. چنان که حضور این عنصر در حکمت متعالیه، بسیار پررنگ‌تر از حضور آن در سایر دستگاه‌های حکمی پیش از وی نظیر اشراقی و مشایی است. سیاست هم یکی از دلمشغولی‌های جدی صدرا المتالیهن است چنانکه وی در «الشواهد الربوبیه» و «المبدأ و المعاد» اشاراتی مستقیم به مساله سیاست دارد؛ ضمن آنکه دلمشغولی صدرا راجع به سیاست را اولویه‌طور غیرمستقیم در سایر آثار او نظیر «رساله سه اصل»، «کسر اصنام الجاهلیه» و حتی کتاب فلسفی «اسفار اربعه» خصوصا مباحث راجع به دو سفر آخر و به‌ویژه سفر نهایی، می‌توان مشاهده کرد. لذا هم «دین» و هم «سیاست» و به‌ویژه رابطه متقابل آن دو، همواره برای صدرا «مساله‌ای» بوده‌است. هگل نیز توجه زیادی به دین و سیاست و نیز رابطه میان آن دو دارد. دین نزد هگل جایگاه ویژه‌ای دارد چنانکه یکی از نقاط عزیمت اصلی هگل در سیر فلسفی خود، مساله الهیاتی و مسیحی «رابطه انسان با خدا» و «تجسد خدا در مسیح» بوده‌است «مساله‌ای که بعدها در اندیشه هگل شکل فلسفی به خودمی‌گیرد و در قالب رابطه میان «متناهی و نامتناهی» جلوه می‌کند. پس به یک معنا حتی کل دستگاه فلسفی هگل را می‌توان متأثر از یک مساله و دلمشغولی دینی دانست. این امر را خصوصا میان آثار هگل جوان می‌توان پررنگ‌تر یافت که همه چیز را در نسبت با دین می‌بیند. سیاست نیز یکی از دلمشغولی‌های جدی هگل است خصوصا «دولت» به‌عنوان نهاد اصلی متکفل سیاست در جامعه. به‌نظر در همین حدهم که هگل (و اصولا هر فیلسوفی) را در تفلسف خود، متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه خود بدانیم، می‌توان حکم به دلمشغولی وی در باب سیاست داد؛ ضمن آنکه موضع هگل در باب سیاست از این نیز، بسی فراتر است و حتی می‌توان ادعا کرد که با هگل بود که دولت به‌عنوان مفهومی متافیزیکی و فلسفی، درست‌در امتداد بحث‌هایی چون «وجود»، «مطلق»، «ایده»، «آگاهی» و «روح» در کنار سایر موضوعات فلسفی قرار گرفت. (مصلح، ۱۳۹۲ : ص ۴۲۴).

ربط و نسبت سیاست و دین نیز جزء دلمشغولی‌های هگل است که پیش از این اشاره شد و در ادامه اشاراتی به این مساله نیز خواهیم داشت. غرض آنکه یکی از مسائل اصلی که باید بدان توجه داشت، به‌رغم تفاوت در نظرگاه‌های دو فیلسوف، عنایت جدی هر دو به اصل مساله دین، سیاست و رابطه میان این دو است. همان گونه که پیش‌تر هم گفته‌شد، تفاوت در تلقی هر دو فیلسوف، پیش از هر چیز به تفاوت در سیستم فکری و فلسفی آنها بازمی‌گردد. کریم مجتهدی در خصوص رابطه میان تفکر ملاصدرا و تفکر فلسفی هگل را رابطه عموم و خصوص من وجه می‌داند و به برخی از تمایزات میان دو فیلسوف، اینچنین اشاره می‌کند:

«ملاصدرا قائل به شهود بی‌واسطه عقلانی و علم حضوری است (تا حدودی مثل برگسون) و هگل با اعتبار دادن کامل به عقل، با این حال کاربرد آن را با واسطه و تقطیعی می‌داند و از این رهگذر منطقی را وارد عالم واقع می‌نماید.» (مجتهدی، ۱۳۸۲ : ص ۹).

انتشار گفت‌وگوهایی با اعوانی

کتاب «آفاق فکرت در سپهر فطرت» شامل مجموعه گفت‌وگوهای حامد زارع با غلامرضا اعوانی، چهره ماندگار فلسفه به‌زودی توسط انتشارات ققنوس منتشر خواهد شد. این کتاب در چهار فصل با عناوین سال شمار زندگی، نگرش علمی، رویکرد حکمی و حکیمان الهی تدوین شده است. پیش از این، مجموعه مصاحبه‌های حامد زارع با غلامحسین ابراهیمی دینانی، رضا داوری اردکانی و سیدحسین نصر نیز منتشر شده بود.



پرش از نسبت شریعت و سیاست

از صدر المتالهین تا هگل



با هم متفاوت است. هگل به‌طور کلی در فضای فلسفه سیاسی مدرن فکر می‌کند و لذا از مؤلفه‌های این فضا نظیر واقعیت‌گرایی، پذیرش عقل مدرن ونفی متافیزیک مورد نظر فیلسوفان کلاسیک و... تأثیر پذیرفته است و درست به همین دلیل است که مباحث فلاسفه سیاسی مدرن، صبغه غیرمتافیزیکی پیدای می‌کند و عمدتاً به مباحثی نظیر آزادی، امنیت، نظم و... روی می‌آورد و درک اینکه چرآنقطه کانونی اندیشه سیاسی هگل، مساله آزادی است، باهمین میناقابل فهم است. ملاصدرا متأثر از فلسفه سیاسی کلاسیک است. این فلسفه فضیلت‌محور و خیرمحور است و تحقق سعادت جامعه، در گرو تحقق این خیرات و فضائل می‌داند. خیرات سیاسی و اجتماعی در اندیشه ملاصدرا، مفاهیمی پیشینی هستند و لذا جامعه مطلوب او باید در راستای همین خیرات جهت‌گیری شود. درحالی که تفکر هگل و به‌طور کلی فلاسفه سیاسی مدرن، مبتنی بر نوعی رویگردانی از فضیلت‌گرایی و سعادت‌محوری است و حتی اگر فضیلتی هم در میان باشد، یک مفهوم کاملا پسینی و بر ساخته است. از اینجا می‌توان به وجه اومانئیستی و سوژکتیو اندیشه هگل پی برد. «خودآیینی» یکی از پیش‌فرض‌های اصلی اندیشه هگل است، درحالی که ملاصدرا قائل به نظریه «امکان فقری» و «اصالت نقصان است؛ نظریه‌ای که نقطه مقابل خودآیینی هگلی است. انسان صدرایی، خودآیین و «به‌خودآنهاده» نیست و اصالت نقصان درمورد او جاری است و رابطه انسان و خدا بر محور عبودیت و بر پایه توحید بنامی‌شود. چنین انسانی به‌شدت محتاج دین است. همین جاست که دین و وحی به کمک فرد و جامعه می‌آید و آنها را به سمت اهداف الهی رهنمون می‌شود. این نشان از پیوند وثیق دین و سیاست در اندیشه ملاصدراست.

۳- هگل بر خلاف برخی از اصحاب قرارداد و یا برخی متفکران روشنگری، قائل به جدایی مطلق میان دین و دولت نیست و در «اصل همراهی و تألیف میان دین و دولت»، تردیدی نداشته لکن نهایتا دین را چونان ابزاری در خدمت دین در نظر می‌گیرد. دولت هگلی، دولتی خودبنیاد است که به سمت هیچ غایت پیشینی‌ای جهت‌گیری نشده و کارویزه دین در تعامل با چنین دولتی، محدود به وحدت‌بخشی درونی است در حالی که دولت صدرایی، یک دولت هادی است و برآمده از مکتبی غایت‌دار و هدف‌محور است که همه عناصر فکری و عملی در چنین دولتی، به‌سوی خدا، قیامت، خیر و سعادت جهت‌گیری شده‌اند. پس در دولت صدرایی بر خلاف دولت هگلی، دین صرفا کارویزه انجام‌بخشی ندارد، بلکه علاوه بر آن، تعیین‌کننده چارچوب حرکت دولت و سیاست و عنصر قوام‌بخش به آن است. دین و سیاست در اندیشه ملاصدرا در یک همگرایی و معاضدت به‌سر می‌یزند، ضمن آنکه دین دارای حیث قوام‌بخشی است و جهت‌گیری‌های دولت را مشخص می‌سازد و نقش روح را برای پیکر سیاست ایفا می‌کند، چنانکه دولت بدون دین، همانند پیکر بدون روح است. البته منظور از دین در اینجا اعم از نقل معتبر و عقل قطعی است.

نشست «تاملی درباره ایران: دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط» از ساعت ۱۴ تا ۱۹ دوم اردیبهشت‌ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار خواهد شد. در این نشست استادی چون قاسم پورحسن، حسن محدثی، رحیم محمدی، محمدسالار کسرابی، حسین روحانی و سیدجواد میری درباره وجوهی از نظریه انحطاط ایران و روایت سیدجواد طباطبایی درباره ایران به بحث و گفت‌وگو خواهند نشست.



۲۰ سالگی کانون اندیشه جوان

چشن ۲۰ سالگی کانون اندیشه جوان وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، همزمان با ولادت حضرت علی اکبر(ع) و روز جوان، روز چهارشنبه ۲۸ فروردین‌ماه، از ساعت ۹ صبح در نشانی خیابان وصال، کوچه فرهنگی، پلاک ۱۹ برگزار خواهد شد. «کانون اندیشه جوان» یک موسسه فرهنگی-پژوهشی است که برای تبیین، تبلیغ و ترویج «گفتمان انقلاب اسلامی» بین جوانان ۱۶ تا ۲۸ سال می‌کوشد.



جامعه از فضائل معنوی است. هدف اصلی این کارویژه‌ها، سعادت است و اصل هر سعادت‌تی هم به تعبیر ملاصدرا آخرت و سعادت اخروی است اگرچه در اندیشه وی دنیا و آخرت به‌هم پیوسته‌اند. ملاصدرا سعادت دنیوی و اخروی را در کنار هم می‌بیند و این که شریعت را به‌مثابه روحی برای کالبد سیاست می‌داند نیز از همین باب است، چنانکه از همین تعبیر می‌توان رابطه «ملازمه قطعی» و یا «ضرورت» را -به نوعی- میان دین و سیاست در اندیشه ملاصدرا قائل بود درحالی که مدلولات چنین ملازمت قطعی‌ای را به‌سختی می‌توان در اندیشه هگل پیدا کرد.

۵- دولت مطلوب ملاصدرا، علاوه بر آنکه فضیلت‌محور، عدل‌محور و سعادت‌محور است، حاکم‌محور نیز هست؛ به این معنا که حاکم، حتما باید از یک‌سری دکترین و قواعد تبعیت کند و واجد یک‌سری فضیلت‌های فردی و اخلاقی باشد. همان گونه که قبلا هم اشاره شد، دولت مطلوب ملاصدرا، یک دولت هادی است. حاکم نیز باید هدایت‌شده باشد تا بتواند به هدایت انسان ها همت بگمارد، فضائل را ترویج کند و ذایل را از بین ببرد. تاکید ملاصدرا بر صفات دوازده‌گانه رئیس اول مدینه، ناظر به این است که نمی‌توان دولت و حکومت را به‌دست هر کسی سپرد. برخورداری حاکم از این اوصاف، مهم‌ترین تضمینی است که برای جلوگیری از استبداد در دولت مطلوب صدرایی، وجود دارد. در این دولت، حاکم جامعه که از نظر ملاصدرا «حکیم عارف مجتهد» است، پس از طی مراحل سه‌گانه در اسفار اربعه و سیر و سلوک معنوی و تهذیب نفس، در مرحله چهارم به میان خلق می‌آید و به دستگیری و هدایت مردم همت می‌گمارد. به‌نظر، در اندیشه ملاصدرا، این سلوک معنوی و صفای باطن ناشی از آن، کم‌ترین زمینه را برای اعمال آتورینه شخصی و غیر محدود فراهم می‌کند، ضمن آنکه این آتورینه در بیرون نیز، محدود به چارچوب قوانین شریعت است. این در حالی است که اوصاف حاکم در اندیشه هگل به‌هیچ‌وجه واجد چنان اهمیتی نیست که در اندیشه صدرا وجود دارد. به‌نظر می‌رسد که هگل، به «کنیت حکمرانی»، پیش از اوصاف حکمران «نهامی‌دهد. ضمن آنکه با وجود آنکه نمی‌توان هگل را به دفاع از استبداد متهم کرد، لکن به‌نظر می‌رسد او هیچ تضمینی برای آنکه حکومت مشروطه سلطنتی مدنظر وی به سمت استبداد و توتالیترایسم گرایش پیدا نکند، به دست نمی‌دهد.

منابع

- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۶). نهاد نآرام جهان. چاپ دوم. تهران. موسسه فرهنگی سراط.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۴۰). رساله سه اصل. به تصحیح سیدحسین نصر. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). مفتاح الغیب. ترجمه محمد خواجوی. تهران. انتشارات مولی.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸). الحکمه المتعالیه فی الاربعه العقلیه. ترجمه محمد خواجوی. تهران. انتشارات مولی.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۸۴). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه. ترجمه و تفسیر جواد مصلح. چاپ چهارم. تهران. انتشارات سروش.
- صدر، سیدموسی (۱۳۹۱). برای زندگی، گفتارهای تفسیری. ترجمه مهدی فرخیان. چاپ دوم. تهران. موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، علیرضا (۱۳۹۳). سیاست متعالی و تعالی سیاسی: برترین گزینه جایگزین سیاست سکولاریسم. فصلنامه سیاست متعالیه.
- علیرضا صدر (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی حکمت متعالی سیاسی. قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کلوئسکو، جرج (۱۳۹۱). تاریخ فلسفه سیاسی، جلد دوم، قرون وسطی. ترجمه شایار دیپچی. چاپ سوم. تهران. نشرنی.
- لک‌زایی، شریف (۱۳۹۵). فلسفه سیاسی صدرا المتالیهن. تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لک‌زایی، شریف (۱۳۸۷). سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه. دفتر اول: نشست‌ها و گفت‌وگوها. قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لک‌زایی، شریف (۱۳۹۱). سیاست و شریعت در حکمت متعالیه، فصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسراء، ش ۱۲، تابستان.
- مجتهدی، کریم (۱۳۸۲). «به چه معنی می‌توان میان تفکر ملاصدرا و فلسفه هگل به رابطه عموم و خصوص من وجه قائل شد؟» مجموعه مقالات همایش بزرگ دانش حکیم صدر المتالیهن. حکمت متعالیه و فلسفه معاصر جهان. تهران. بنیاد حکمت اسلامی.
- مصلح، علی‌اصغر (۱۳۹۲). هگل. چاپ اول. تهران. انتشارات علمی.
- هگل، گئورگ ویلهلم فردریش (۱۳۹۱). دقت‌های سیاست مدرن، ترجمه محمد مهدی اردبیلی. چاپ سوم. تهران. نشر روزبهان.
- هگل، گئورگ ویلهلم فردریش (۱۳۹۲). عناصر فلسفه حق یا خلاصه‌ای از حقوق طبیعی و علم سیاست. ترجمه مهدی ایرانی طلب. چاپ سوم، تهران، نشر قطره.
- ولایتی‌علی اکبر (۱۳۹۱). ملاصدرا. تهران. شرکت سهامی کتاب‌های جیبی وابسته به انتشارات امیر کبیر.
- کیخا، نجمه (۱۳۹۳). سیاست و عالم مثال در حکمت متعالیه، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه. ش ۶. پاییز.
- مهرزیا، حسن (۱۳۹۰). رابطه دین و دولت در نظام فلسفی هگل. فصلنامه حکمت و فلسفه، شماره اول. بهار.